

رسالت حوزه های علمیه در راهنمایی و هدایت انسان به سوی کمال

رودابه کرمی، خدیجه کریمی، رضیه شاطری، پریسا آزادپور^۱

چکیده

موضوع این تحقیق عوامل سعادت انسان در قرآن می باشد. انسان دارای دو جنبه است یک جنبه حیات طبیعی و مادی و دیگر جنبه، حیات فطری و روحی انسانی. خدای سبحان از انسان به عظمت و نیکی یاد می کند، ولی انسانیت انسان را در جنبه ی مادی او نمی بیند بلکه اصالت وجودی انسان را وابسته به حیات فطری و روحی او می داند. اگر انسان در جستجوی تکامل باشد و راه های تکامل را بشناسد و همواره تلاش کند گام به گام در مسیر تکامل حرکت کند می تواند به سعادت و رستگاری واقعی خویش برسد، خدا در قرآن راه های رسیدن به سعادت را در ایمان به خدا، ایمان به پیامبر و ایمان به معاد و جهان غیب و موارد بسیار دیگر بیان فرموده است، انسان در مرحله اول باید ایمان به خداوند یکتا داشته باشد چرا که رکن همه ی اعتقادات، توحید است، تا انسان اعتقاد به یگانگی خدا نداشته باشد نمی تواند ایمان به نبوت و جهان غیب داشته باشد. از راه های دیگر می توان به قرآن، ولایت، نماز، صبر، تقوا و... اشاره کرد. در راستای عوامل سعادت موانعی وجود دارد که او را از تکامل باز می دارد که خداوند با لطف بیکران خود موانع کمال انسان را نیز برشمرده و همواره در کنار آیات بشارت دهنده او را نهی و انذار داده و از خطر باز می دارد که از جمله موارد آن کفر و شرک به خدا، بدعت در دین، شیطان، حب دنیا، پیروی هوای نفس و ... می باشد .

کلید واژه ها: حوزه علمیه، هدایت، راهنمایی، انسان، کمال.

¹ .مدرسۀ علمیه الزهرا سطح دو صحنه. sahnehhozeh@gmail.com

مقدمه :

قبل از هر چیز باید به این نکته توجه کنیم که انسانی که خلق می شود و خداوند او را مرحله به مرحله از نظر جسمانی انسانی کامل می آفریند آنگاه قوه ی اراده و اختیار را در نهاد انسان قرار می دهد، انسانی که دارای قوه ی عقل است در این تفکر می کند که برای چه خلق شده و هدف از خلقت او چیست؟ خداوند که خالق انسان است هدف از خلقت انسان را رسیدن به سعادت معرفی کرده است. پس باید انسان روشن بین با استفاده از فرموده های خداوند متعال در قرآن در پی کسب و فلاح و رستگاری باشد تا بتواند به حدی رشد کند که از ملائک هم بالاتر رود .

در طول تاریخ چون انسان میل فطری برای رسیدن به سعادت و رستگاری دارد در صدد برآمده تا راهکارها و برنامه هایی برای نوع خود معرفی کند. بسیاری از انسان ها راه اشتباه را رفته و مکاتبی را بنیان گذاری کرده اند این مکاتب چون قوانین قرآن را مدّ نظر نداشته اند آنچنان جامعه های خود را در انزوا قرار داده اند و پیامد هایی برای جامعه داشته اند که سالها حتی قرن ها این جوامع نتوانسته اند آفت های رسیده به خود را جبران کنند و اثرات و ناهنجاری ها در آن جوامع هنوز هم ادامه دارد .

اگر نگاهی به تاریخ مکاتب بشری داشته باشیم می بینیم که رنگ کهنگی بعد از مدتی بر آن ها می نشیند و از بین می روند .ولی مکتب الهی چون با فطرت انسان ها آشناست هرگز رنگ کهنگی بر آن نمی نشیند و همیشه راهبر انسان ها به سوی سعادت واقعی است .یکی از امتیازات مکاتب الهی، مبلغان و مبشرانی است که نسبت به جامعه احساس دین کرده و با امر به معروف و نهی از منکر، افراد جامعه را به سوی کمال هدایت می کنند.

در جامعه ی دینی ما، حوزه های علمیه، یکی از نهادهایی است که از دیر باز رسالت تبلیغ دین و معرفی الگوهای دینی را بر عهده داشته است.تحقیق حاضر سعی دارد با تبیین شاخصه های کمال ، نقش حوزه های علمیه را در پیمودن این مسیر تبیین نماید

الف) مفهوم شناسی

1- مفهوم کمال

الف) کمال و تمام: کمال از نظر لغت به معنای کامل شدن و رفع نقص و کمبود است. بین کمال یافتن و تمام شدن تفاوت است. شهید مطهری در این زمینه در عباراتی می فرماید: هر شیئی که دارای چند جزء است وقتی همه اجزایش در کنار هم قرار گیرند «تمام» شده است؛ مثلاً کارخانه سازنده اتومبیل باید این محصول را تمام کند و در اختیار مشتریان خود قرار دهد. اما «کمال» نوعی تغییر کیفی است که انسان را از یک درجه به درجه بالاتر می رساند؛ مثلاً جنین که در رحم مادر است پس از تولد، تکامل پیدا می کند و آن گاه که بزرگ شده و علم و دانش فرا می گیرد به کمال بیشتری دست می یابد. (مطهری، مجموعه آثار، ج 7، ص 257)

وقتی شیء در جهت افقی به حد آخر خود برسد می گویند تمام شد و هنگامی که شیء در جهت عمودی بالا رود می گویند کمال یافت. پس وقتی می گویند عقل یک نفر کامل شده یعنی قبلاً هم عقل داشته، اما حال عقلش یک درجه بالاتر آمده است. (مطهری، انسان کامل، ص 10)

ب. کمال و بود: در کمال، همیشه نوعی «بود» واقعی یا غیر واقعی مطرح است؛ مثلاً وقتی یک هندو به عنوان یک فعل ارزشی، غذای کمتری خورده و لذاتی را ترک می کند، علت کار خویش را بر اساس ادراکاتش (توهم یا استدلال) بر محور نوعی کمال بیان می کند؛ بدین معنا که وضعیت فعلی خود را نوعی نقص و کمبود می داند و با معرفی یک مرتبه بالاتر از «بود» و ترسیم وضعیتی مطلوب در رابطه با آن، فعل اخلاقی فوق را زمینه و ابزار رسیدن به «بود جدید» معرفی کرده، بین آثار و لوازم ناشی از تحقق فعل و تحقق وضع مطلوب، نسبت تساوی قائل است.

ج. کمال و قرب الهی: هر کس در حرکت خود به دنبال کمال مطلق است و جلب و دفع ضرر و به عبارتی بیم و امید حاکم بر حرکت و رفتار او بر اساس مفهومی که از کمال مطلق دارد، تعیین و تعریف می گردد و از آن به عنوان رفتار خوب و متناسب با کمال تعبیر می شود. در اسلام زیر بنای فعل انسان و ملاک و معیار جلب منفعت و دفع ضرر و «بیم و امید» حاکم بر حرکت او، رضایت حضرت حق و تقرب به کمال مطلق می باشد و به همین دلیل، هدف خلقت در اسلام تقرب الهی و گام نهادن در وادی نزدیک شدن به کمال مطلق معرفی شده است.

د. کمال و تعبد: اگر هدف نهایی انسان کمال و تقرب وی به سمت باری تعالی است، طبعاً برای رسیدن به این مقصد انسان باید در مسیری گام نهد که به این مقصود منتهی شود و این به معنای همت در انتخاب و انجام اعمال و رفتارهایی هماهنگ و متناسب با این غایت و نیز پرهیز از افعال و اعمالی است که با آن هدف در تعارض است. درک صحیح از بارزش بودن عملی، مستلزم شناخت نسبت آن با کمال مطلق و میزان تأثیر آن در تقرب می باشد و چنین امری نیازمند اشراف و احاطه کامل بر فلسفه خلقت انسان، ماهیت و ابعاد وجودی و نیز روند تکاملی اوست. قطعاً چنین اطلاع و احاطه ای برای انسان به صورت عادی میسر نیست و به همین دلیل بعثت انبیا و نزول وحی جهت آوردن احکام و تعالیم رشد و کمال ضرورت یافته است. بر همین مبناست که ملاک کار نیک و پسندیده و متناسب با کمال در اسلام، هماهنگی با احکام الهی است، چرا که احکام الهی بر اساس مصالح و مفاسدی که ارتباط منطقی و علّی و معلولی با کمال و نقص دارد، وضع گردیده اند و بسته به ضرورت و نسبت تأثیر آنها در رشد و کمال بشر و تقرب وی به آستان ربوبی، به مراتب مختلف واجب، مستحب، مکروه و حرام دسته بندی شده اند.

بنابراین اگر فردی در کاری که انجام می دهد، از طرفی به حسن فاعلی کار توجه داشته و نیت خود را

برای خداوند خالص گرداند و از طرف دیگر سعی کند در توان خود، این نیت را در شکل و قالبی خدا پسندانه به منصف ظهور برساند، چنین فعلی و عملکردی مصداقی از «عبادت» تلقی می گردد و این گونه

عمل نمودن تنها راه عملی تقرب الهی و کمال است (مجموعه آثار همایش بین المللی امام خمینی (س) و قلمرو دین (1) «کرامت انسان»، ج 1، ص 125)

2- مفهوم فلاح و رستگاری

در مفهوم فلاح و رستگاری این نکته وجود دارد که انسان پیوسته در زندگی خود گرفتار است یا موانعی وی را از رسیدن به هدفش باز می دارد وقتی این موانع را کنار بزند و به مطلوب خویش برسد می گویند: رها شد. پس رستگاری، یعنی خلاص شدن از گرفتاری، ملازم با سعادت است و هنگامی که انسان با چیز ناملایم و ناخوشایندی برخورد نداشت، خوشبخت خواهد بود.

یکی از وظایف حوزه های علمیه شناساندن راه و مفهوم سعادت برای انسان و تفکیک آن از لذات ناپایدار است. سعادت و لذات به هم نزدیک و قریبُ الافق هستند و عمده تفاوت آن دو در این است که لذت در موارد لحظه ای و کوتاه مدت نیز بکار می رود، ولی سعادت در مورد لذت های پایدار یا نسبتاً پایدار کاربرد دارد، اگر ممکن بود کسی در زندگی همیشه لذت ببرد او کاملاً سعادتمند بود؛ ولی، از آنجا که زندگی خالی از درد و رنج وجود ندارد می توان گفت: سعادتمند در این دنیا کسی است که لذت های وی چه از لحاظ کمی چه از لحاظ کیفی نسبت به درد و رنج هایش برتری و فزونی دارد (مصباح یزدی، ج 1، ص 29-31).

مفهوم سعادت در یک مورد از قرآن به شکل مناسبی با بینش وسیع الهی درباره ی انسان بکار رفته است. خداوند در این باره می فرماید: «فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ فَأَمَّا ...؛ مردم دو دسته هستند بدبخت و خوشبخت: شقاواتمندان تا آسمان و زمین هست در آتش جاودان بمانند مگر آنچه پروردگار تو خواهد که او هر چه خواهد می کند و سعاتمندان مادام که آسمان ها و زمین هست در بهشت جاودان بمانند مگر آنچه خدای تو خواهد که این، بخششی قطع نشدنی است» (هود/105-108).

فهرست منابع و مآخذ :

*قرآن

*نهج البلاغه

- 1- ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، محمد علی، سلطانی، چاپ 1، قم، فکرآوران، 1388 .
- 2- _____، الخصال، صادق، حسن زاده، ج 1، چاپ 1، قم، فکرآوران، 1388.
- 3- امینی، نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج 12 و 8، تهران، انتشارات نهضت زنان مسلمان، 1361
- 4- بابازاده، علی اکبر، امیرالمؤمنین (علیه السلام) آفتاب ولایت، چاپ 2، تهران، بدر، 1378 .
- 5- _____، زمینه های فساد در جامعه و راه درمان، ج 1، چاپ 1، قم، قدس، 1374 .
- 6- برخوردارفرید، شاکر، احادیث الطلاب، ج 3، چاپ 3، تهران، لاهوت، 1391 .
- 7- بروجردی، محمد ابراهیم، جامع البیان، ج 23، چاپ 6، تهران، صدرا، 1366 .
- 8- _____، تفسیر جامع، ج 3، چاپ 6، تهران، صدر، 1366 .
- 9- بندر ریگی، محمد، المنجد، ج 1، چاپ 1، تهران، بازار بین الحرمین، 1374 .
- 10- بهرام پور، ابوالفضل، نسیم حیات (تفسیر قرآن کریم جزء 2)، چاپ 7، قم، هجرت، 1385 .

- 11- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین (عبادت و خود سازی)، ج 1، چاپ 19، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1373 .
- 12- _____، حجتی، محمد باقر، تفسیر کاشف، ج 5، چاپ 2، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1378 .
- 13- امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه)، چاپ 1، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (رحمة الله علیه)، 1377 .
- 14- پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دانش نامه امام علی (علیه السلام)، محقق: علی اکبر، رشاد، ج 4 و 1، چاپ 2، تهران، فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1386.
- 15- تهرانی، جواد، آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، تهران، در راه حق، بی تا .
- 16- جوادى آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، چاپ 3، قم، اسراء، 1386 .
- 17- _____، تفسیر موضوعی قرآن (فطرت در قرآن)، ج 12 و 11 و 1، چاپ 2، قم، مرکز نشر اسراء، 1379 .
- 18- _____، تفسیر تسنیم، ج 9، چاپ 1، قم، اسراء، 1385 .
- 19- حسینی همدانی، محمد حسین، انوار درخشان، ج 12 و 9 و 7، چاپ 1، تهران، لطفی، 1404 ق .
- 20- حیدری نراقی، علی محمد، گفتار نراقی، ج 4، چاپ 1، قم، دار النور، 1384 .
- 21- خالقی، محمد جواد، اخلاق مدیران، چاپ 2، قم، نشر ندای دوست، 1384 .
- 22- خانی، رضا، ریاضی، حشمت الله، ترجمه بیان السعادت فی مقامات العبادت، ج 6، چاپ 1، تهران، دانشگاه پیام نور، 1372 .

- 23- داور پناه، ابوالفضل، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ج 16، چاپ 1، تهران، صدر، 1375 .
- 24- دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج 2 و 1، چاپ 12، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1378 .
- 25- راغب اصفهانی، حسین، مفردات الالفاظ قرآن، حسین خداپرست، چاپ 1، قم، دفتر نشر نوید اسلام، 1387 .
- 26- رجحان، محمد صادق، انسان و قرآن، چاپ 3، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1377 .
- 27- سبیحانی، جعفر، معادشناسی، علی، شیروانی، چاپ 3، قم، دار الفکر، 1386 .
- 28- _____، سیمای عقاید شیعه، جواد، محدثی، چاپ 1، تهران، مشعر، 1386 .
- 29- ضیاء آبادی، محمد، توسل، چاپ 6، تهران، بنیاد بعثت، 1386 .
- 30- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، محمد باقر، موسوی همدانی، ج ، چاپ 18، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1383 .
- 31- _____، قرآن در اسلام، چاپ 9، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1379 .
- 32- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج 6 و 2، چاپ 2، تهران، اسلام، 1378
- 33- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج 7، چاپ 15، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1386 .
- 34- قمی، عباس، خلاصه معراج السعادت، چاپ 8، قم، مؤسسه در راه حق، 1382 .
- 35- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جواد، مصطفوی، ج 4 و 3 و 1، چاپ 1، تهران، گلگشت، 1375 .
- 36- مترجمان، تفسیر جوامع الجامع، ج 2 و 1، چاپ 2، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1377 .

37-_____، ترجمه ی تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 19 و 13، چاپ 1، تهران، فراهانی
1360.

38-محموظی، عباس، اخلاق اسلامی، چاپ 2، قم، مشهور، 1390.

39-محدثی، جواد، درسنامه ی اخلاق، چاپ 1، قم، انتشارات بین المللی، ترجمه و نشر المصطفی،
1390.

40-محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، حمید رضا، شیخی، ج 7 و 6 و 1، چاپ 3، قم، دار
الحديث، 1377.

41-_____، اهل بیت در قرآن و حدیث، حمید رضا، شیخی، حمید رضا، آژیر، چاپ 6،
قم، دار الحديث، 1390

42-مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج 1، چاپ 1، قم، دار الفکر، 1378.

43-مطهری، مرتضی، توحید، چاپ 17، تهران، صدرا، 1388.

44-مظاهری، حسین، اخلاق در خانه، ج 12، چاپ 6، قم، نشر اخلاق، 1378.

45-مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج 2، چاپ 1، مؤسسه تفسیر قرآن کریم، 1378.

46-_____، پیام قرآن، ج 9، چاپ 6، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1386.

47-_____، تفسیر نمونه، 20، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1380.

48-موسوی خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، چاپ 32، تهران، مؤسسه نشر و آثار امام(رحمة الله
علیه)، 1384.

49-نراقی، احمد، معراج السعادت، چاپ 4، قم، طوبی محبت، 1389.

50-نراقی، مهدی، جامع السعادات، جلال الدین، مصطفوی، ج3و2، چاپ 3، تهران، حکمت، 1375 .

51-حر عاملی، محمدبن حسن، وسایل شیعہ، ج 2، چاپ 1، تهران، کتاب فروشی اسلامی، 1367 .

52-سایت تبیان .